

جایگاه گفتمان‌های استعاری

در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

بهادر صادقی^۱ سید محمد طباطبائی^۲

تاریخ دریافت ۱۳۹۴/۱۲/۲ تاریخ پذیرش ۱۳۹۵/۲/۱۹

چکیده

استعاره در زمینه‌های گوناگونی نظیر شعر و ادبیات، علوم تجربی، روانشناسی، زبان‌شناسی، علوم سیاسی و غیره به کار می‌رود و می‌تواند برای شناخت ایدئولوژی ابزار مناسبی باشد. در عین حال ایدئولوژی‌های متفاوت در جهت نهادینه کردن باورهای بنیادینشان می‌توانند به تولید استعاره‌های متفاوت دست بزنند. این مقاله با استفاده از روش تحلیلی-توضیحی و با ابزار تحلیل محتوا به بررسی زبان استعاره‌ای در گفتمان‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پرداخت تا بتواند ارتباط بین تفکر و زبان استعاره‌ای و دنیای سیاست را مشخص نماید. استعاره‌ها با آفرینش مدل تازه‌ای از واقعیت و جایگزینی آن با مدل‌های قبلی، می‌توانند یک ایدئولوژی را به صورت ناخودآگاه وارد دستگاه شناختی فرد کنند. به این منظور، یک نمونه از متون سخنرانی ارائه شده در مجمع عمومی سازمان ملل توسط هر یک از رؤسای جمهور از اول انقلاب تاکنون انتخاب شد و بر اساس چارچوب طبقه بندی لیکاف و جانسون درباره استعاره‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت که البته شامل سه نوع استعاره ساختاری، جهت و وجودی می‌باشد. نتایج و یافته‌های تحقیق نشان دادند که می‌توان جملات و عبارات استعاری را برای رمزگشایی حقیقت کلام رهبران سیاسی به کار برد و همچنین مشخص شد که بسامد استعاره‌های ساختاری بیش از دو نوع دیگر استعاره است ولی تأثیر گذاری استعاره‌های جهت و وجودی بیشتر است زیرا آن‌ها استعاره‌هایی بدیع و خلاقانه‌اند و نه استعاره‌هایی قراردادی.

کلید واژگان: استعاره، سیاست خارجی، گفتمان استعاری، ایران.

۲۲۹

سیاست جهانی

۱. دانشجوی دکتری روابط بین الملل دانشگاه علامه طباطبائی

نویسنده مسئول bahsad@gmail.com

۲. استادیار گروه روابط بین الملل دانشگاه علامه طباطبائی

از آنجایی که زبان نظامی ارتباطی و مبتنی بر نظام مفاهیم ذهنی است، با تفکر و کنش‌های ما در ارتباط است؛ پس منبع خوبی برای پیدا کردن شواهدی درباره کارکرد نظام شناختی است. هر چند که تحلیل‌های استعاری از سیاست خارجی محدود و غالباً جهت توجیه و مشروعیت بخشی سیاست‌ها از سوی رهبران به کار می‌روند، لکن این استعاره‌ها می‌توانند چگونگی شکل‌گیری برداشت‌های تصمیم‌گیران سیاست خارجی را آشکار سازند. این رهیافت نظری به نحوه و چگونگی تعامل انسان‌ها با ابهامات و پیچیدگی‌های محیط اطراف خویش تمرکز دارد. باز مفهوم سازی یکی از کارکردهای اصلی استعاره به ویژه استعاره‌های ادبی است که به ما این امکان را می‌دهد تا با استفاده از اصطلاحات غیرقراردادی و مقوله‌های ناآشنا، به تماشای یک تجربه پیشینی از چشم اندازی جدید پردازیم. برخی دیگر از تحلیل‌گران همچون مینتز و ده روئن استعاره‌ها را «صنایع بدیعی»^۱ تلقی می‌کنند نه تنها پدیده‌ها را با یکدیگر مقایسه می‌کنند، بلکه از قلمرو مقایسه صرف فراتر می‌روند و منابع را به اهداف وصل می‌نمایند. به عنوان مثال، در استعاره «جنگ علیه ترور» جنگ به عنوان قلمروی منابع به تروریسم به عنوان هدف سیاست خارجی ارتباط تنگاتنگی یافته است. خود مفهوم جنگ سرد نیز که توسط «والتر لیمپن»^۲ در دهه ۱۹۴۰ ابداع شد، استعاره دوگانه است که در آن هم مفهوم جنگ و هم مفهوم سرد به صورت استعاری استفاده شده‌اند تا ماهیت رقابت میان ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی سابق را به تصویر بکشند. از این رو، این مقاله نیز به دنبال نشان دادن اهمیت و سودمندی رویکرد استعاری در قالب رهیافت کلی شناختی در دستگاه سیاست خارجی کشورها با تکیه بر تجربه رهبران جمهوری اسلامی ایران است. لذا، پرسش اصلی این نوشتار عبارت است از چگونگی نقش آفرینی و جایگاه استعاره در شکل‌گیری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. جهت پاسخ دهی به پرسش مزبور، این فرضیه را مورد بررسی قرار خواهیم داد که گفتمان‌های

1 Figures Of Speech

2 Walter Lippmann

استعاره‌ی نقش به سزایی در انتقال پیام‌های رهبران و تصمیم‌گیرندگان دستگاه سیاست خارجی ج.ا.ایران داشته‌اند. به عبارت روشنتر، در این پژوهش، می‌خواهیم ببینیم که قدرت استعاره و نسبتی که یک استعاره از مخازن معنایی یک ایدئولوژی و حتی یک فرهنگ اخذ می‌کند چگونه سیاست خارجی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. ادراک ما از واقعیت، مبتنی بر استعاره است و روش تجزیه و تحلیل تحقیق حاضر نیز بر اساس شاخص‌های زبانی یا همان تحلیل محتوا است و به طور کلی به تبارشناسی نحوه پیدایش و ظهور دنیای "نمادین گفتمان سیاست خارجی ج.ا.ا." می‌پردازد و "تولید"، "عملکرد"، "تحول و تکامل" و "بازنمایی" استعاره‌ها را در خصوص تعامل ایران با جهان خارج مورد کنکاش قرار می‌دهد. افزون بر پرسش اصلی، این مقاله در پی پاسخ دادن به سؤالات فرعی ذیل می‌باشد: "آیا زبان استعاره‌ای در گفتمان‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نقش آفرینی می‌کند؟"، "چه ارتباطی بین تفکرو زبان استعاره‌ای و دنیای سیاست وجود دارد؟"، "نقش مخاطب در درک و فهم افق استعاره در سازمان کلامی چیست؟"، "سیر تحول و تطور زبان استعاره‌ای در گفتمان سیاست خارجی ج.ا.ا. چگونه است و چه چرخشی داشته است؟"، "سازمان مفهومی سیاست خارجی ایران در رسانه‌ها و مطبوعات چگونه انعکاس می‌یابد یا درک و فهم می‌شود؟"، "استفاده (یا عدم استفاده) از منظومه‌های استعاره‌ای در بیان مواضع، اندیشه‌ها و سیاست‌های خارجی روسای جمهور، وزرای امور خارجه یا سخنگویان وزارتخانه‌های دولت‌های مختلف وقت در ایران به چه عواملی بستگی دارد و یا در چه قالبی تقسیم بندی می‌شود؟"

۱. چارچوب نظری

سیاست یکی از مهمترین بافت‌های اجتماعی است که در آن استعاره‌ها کارکرد ایدئولوژی خود را ایفا می‌کنند. احزاب سیاسی همیشه در تلاش‌اند تا مخاطبان خود را متقاعد کنند که روش‌ها و برنامه‌های آن‌ها بهترین‌های موجود است و به صلاح شهروندان. کلیت ساختار دهی شده که از عمل مفصل بندی حاصل می‌شود، گفتمان نام دارد. گفتمان‌ها در واقع منظومه‌ای از معانی هستند که در آنها نشانه‌ها با توجه به

تمایزی که با یکدیگر دارند هویت و معنا می‌یابند. گفتمان تصور و فهم ما از واقعیت و جهان را شکل می‌دهند بنابراین معنا و فهم انسان همواره گفتمان و لذا نسبی است (حقیقت، ۱۳۸۵: ۵۱۲). یول و براون در تعریف تحلیل گفتمان می‌نویسند: «تحلیل گفتمان تجزیه و تحلیل زبان در کاربرد آن است، در این صورت نمی‌تواند منحصر به توصیف صورت‌های زبانی مستقل از اهداف و کارکردهایی باشد که این صورت‌ها برای پرداختن به آنها در امور انسانی به وجود آمده‌اند.» (بهرامپور، ۱۳۷۸: ۲۲).

استعاره و ایدئولوژی هر دو امری شناختی‌اند و در حافظه جمعی افراد جای دارند. استعاره‌ها در دستگاه ایدئولوژیک می‌توانند یک یا چند کارکرد را هم زمان ایفا کنند. استعاره‌ها می‌توانند در جهت توضیح مفاهیمی که فهم آن‌ها ممکن است دشوار باشد، به ویژه مفاهیم انتزاعی، به کار روند. در تحلیل گفتمانی سیاست و سیاست خارجی، نقش ابزارهای قدرت در شکل‌بندی رفتارهای سیاسی و بین‌المللی کاهش می‌یابند. کلمات و واژه‌ها به عنوان تنها ابزاری هستند که می‌توانند واقعیت‌ها را منعکس کنند» (متقی، ۱۳۸۵: ۲۳). بدین ترتیب، رفتار سیاست‌ خارجی دولت‌ها به این بستگی دارد که افراد چگونه وضعیت را با قدرت درک و یا تحلیل می‌کنند (آقاحسینی و بیری‌گنبد، ۱۳۸۶: ۱۲۴).

تبیین نظریه گفتمانی، هرگونه تغییر و دگرگونی را می‌توان بر اساس تحولات دائمی سوژه‌ها توضیح داد. به عبارت دیگر، سوژه‌ها تلاش می‌کنند تا شکل خاصی از تمایز را بین خود و دیگران ایجاد نمایند. نظام تفاوت‌ها نه تنها تحت تأثیر هویت و حوزه سیاست داخلی به وجود می‌آید، بلکه باید به پیامدها، انعکاس و مطلوبیت‌های آن در حوزه سیاست خارجی نیز توجه کرد. بنابراین در حوزه سیاست خارجی کشورها، همواره شکل‌های جدیدی از تمایز ظهور پیدا می‌کند. عرصه سیاست خارجی نیز مبتنی بر مجادله‌های دائمی است و هیچ‌گاه نظام بین‌المللی در وضعیت بدون منازعه قرار نگرفته است. زمانی که شکل جدیدی از منازعه ظهور پیدامی‌کند، بیانگر آن است که سوژه‌های جدیدی شکل گرفته است (متقی، ۱۳۸۵: ۲۴-۲۳).

از منظر گفتمانی غالباً تحولات حیاتی و اساسی یک کشور منتج از گفتمان مسلط قبلی آن جامعه است که توسط اندیشمندان، نظریه پردازان و روشنفکران شکل گرفته، گسترش یافته و نهادیه شده است. ساختار سیاسی حوزه‌ای است که در پرتوگفتمان شکل می‌گیرد و با تغییر گفتمان‌ها، ساختارها دگرگون می‌شوند و از نو شکل می‌گیرند. از سوی دیگر استقرار و سلطه هر گفتمانی نیازمند پشتیبانی آن از جانب نیروها و قدرت‌های حامی آنهاست (بشیریه، ۱۳۸۷: ۶۳). با توجه به مسائل فوق می‌توان گفت که فرآیند ظهور و سقوط گفتمان‌ها فرآیندی دائمی در جامعه است. جامعه هیچ گاه به وضعی نخواهد رسید که یک گفتمان به طور مطلق بر آن حاکم باشد چرا که همواره مقاومتی در برابر قدرت حاکم در قالب اپوزیسیون منتقد و توده‌های محروم و ناراضی وجود دارد.

در این ارتباط با مددگرفتن از نظریه گفتمان تلاش خواهد شد تا مؤلفه‌ها و چالش‌های اساسی سیاست خارجی ج.ا.ایران مورد توجه قرار گیرد. دیدگاه زبان‌شناسی شناختی و نظریه معاصر استعاره، به طور مشخص در مقاله لیکاف به نام «نظریه معاصر استعاره» در سال ۱۹۹۲ میلادی مطرح شد. جورج لیکاف و مارک جانسون در سال ۱۹۸۰ در کتاب «استعاره‌هایی که با آن‌ها زندگی می‌کنیم، دریچه جدیدی به مطالعات استعاره‌گشودند. به نظر آنان، نظام مفهومی ذهن بشر که اندیشه و عمل انسان بر آن استوار است، در ذات خود ماهیتی استعاری دارد. اما از آنجا که در حالت عادی دسترسی مستقیم به آن ممکن نیست، برای کشف ساختار چنین نظامی می‌توان از بازنمود ساختار مفهومی آن، یعنی زبان بهره جست. از سوی دیگر، با توجه به آنکه ارتباط‌های زبانی بر پایه همین نظام مفهومی قرار دارد که خاستگاه تفکر بشری است، زبان شاهد مهمی بر چیستی چنین نظامی است. رویکرد لیکاف و جانسون به استعاره، نظریه استعاره مفهومی نامیده می‌شود.

به عبارت دیگر، استعاره موضوع را توصیف و تبیین می‌کند و وجوه اصلی مورد نظر را در آن نشان می‌دهد. استعاره‌ها، موضوعات و پدیده‌های پیچیده را با تأکید بر نکات کلیدی آن‌ها، ساده و قابل درک می‌سازند و از آنچه که ذهن ما با آن آشناست

برای شناخت آنچه ذهن آشنایی کمتری با آن دارد، استفاده می‌کند (جعفری هفتخوانی، ۱۳۹۰، ۴۱). بنابراین استعاره به عنوان ابزاری برای ساده سازی، درک و پردازش اطلاعات جدید در زمینه‌های گوناگونی به کار گرفته می‌شود. بدون شک این حس لذت باعث می‌شود که مخاطب با استعاره، به علت سادگی نسبی‌اش، ترغیب و حتی متقاعد شود. علاوه بر حس سادگی و درک پذیری که استعاره ایجاد می‌کند، حس آشنا بودن موضوع نیز از طریق استعاره به وجود می‌آید. به تعبیر فروید لذت از کشف مجدد موضوعی آشنا حاصل می‌شود. درست همان طور که به جا آوردن دوستان قدیمی موحی از نشاط به چهره شخص می‌آورد، شناخت و تشخیص آگاهانه یک فعالیت ذهنی از پیش آشنا نیز لذت می‌آفریند (Mio, 1997:122).

نظرات متفاوت و گاهی حتی مغایری در باره نقش و کارآمدی استعاره‌ها وجود دارند. این امر چندان هم عجیب نیست زیرا فرآیند درک و فهم استعاره بسیار پیچیده است. در نتیجه توافق جامعی درباره تأثیر و نقش ترغیبی و متقاعد کننده استعاره در دست نیست. با این وجود می‌توان ادعا کرد که کاربرد خلاقانه استعاره در ایجاد چنین نقشی برای آن بی تأثیر نیست (Mio 1997:130) در رابطه با نقش استعاره همچنین می‌توان گفت که استعاره‌ها نقشی دوگانه دارند: دیدگاه خاصی درباره موضوعات ارائه می‌دهند ولی در عین حال راه برای مذاکره بر سر این دیدگاه باز است. چنین مذاکراتی می‌توانند به شکل گیری استعاره‌های بدیع و دیدگاه‌های ذهنی جدید منتهی شوند. این نقش اخیر را می‌توان نقش خلاقانه یا ابتکارآمیز استعاره‌ها نامید در حالی که نقش اول نقش محدودکننده استعاره است. این نقش‌ها در زمان برقراری ارتباط در بافت‌های اجتماعی صورت می‌گیرند (Hellsten, 2002:22)

نظریه معاصر استعاره بر بنیان فلسفی و روش شناختی متمایزی بنا شده؛ به گونه‌ای که این رویکرد را به نظریه تبدیل کرده است. این رویکرد ادعا می‌کند که به جای دو دیدگاه عینی گرا و ذهنی گرا که همواره در تاریخ بحث‌های فلسفی مطرح بوده است، راه حل سومی وجود دارد. لیکاف رویکرد عینی گرایی که در آن جهان و

پدیده‌های آن کاملاً مستقل از ذهن انسان توصیف می‌شوند، مورد نقد قرار می‌دهد و رویکرد واقع‌گرایی تجربی را پیشنهاد می‌کند. به اعتقاد وی عینی‌گرایی و تجربه‌گرایی دو تفسیر مختلف از دیدگاه واقع‌گرایی بنیادی‌اند. از این رو، هر دو به جهان واقعی و دانش پایدار آن اذعان دارند و دیدگاهی را رد می‌کنند که مفهوم حقیقت را تنها بر پایه انسجام ذهنی و درونی استوار می‌کند. اما تفاوت آن‌ها در این است که عینی‌گرایی معنا را مستقل از طبیعت و تجربه تفکر انسانی می‌داند، در حالی که در واقع‌گرایی تجربی، معنا بر اساس تجسم تعریف می‌شود؛ یعنی بر اساس ظرفیت‌های زیستی جمعی و تجارب فیزیکی و اجتماعی انسانی در محیط. (کرد زعفرانلو و حاجیانی: ۱۳۸۸: ۱۲۴-۱۲۰)

لیکاف استعاره را سازوکاری برای آفرینش معانی تازه از واژه‌های موجود در زبان توصیف می‌کند. این ایده در مقابل سنت فلسفه غرب قرار می‌گیرد که استعاره را امری صرفاً انتزاعی می‌داند. با توجه به آنچه گفته شد، استعاره در رویکرد معاصر پدیده‌ای صرفاً زبانی نیست؛ بلکه فرآیند تفکر انسان، استعاری است. از این رو، استعاره تنها در واژگان زبانی دیده نمی‌شود؛ بلکه در مفاهیم نهفته است. استعاره از آن جهت پدیده‌ای شناختی است که انسان مجموعه‌ای از پدیده‌ها را با توجه به مجموعه دیگری از پدیده‌ها درک می‌کند. (Lakeoff and Turner, 1989).

از رهگذر تحلیل پیوند نظام‌های استعاری با ایدئولوژی غالب در هر گفتمان و نقش ایدئولوژیک استعاره‌ها در این نظام‌ها می‌توان به شناخت روشن‌تری از نظام‌های مفهومی آن‌ها دست یافت

۲. ادبیات پژوهش

استعاره به صورت خلاصه و کوتاه موضوع را توصیف و تبیین می‌کند و وجوه اصلی مورد نظر در آن را نشان می‌دهد. استعاره موضوعات را به وسیله تاکید کردن بر نکات کلیدی آنها، ساده و قابل درک می‌سازد. در خصوص، بررسی زمینه‌ها و ریشه‌های تغییر گفتمان‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پژوهش‌هایی صورت گرفته است. لیکن پژوهش‌های انجام شده در این مورد به مقتضای موضوع

و محتوای خود به گونه‌ای به بررسی جنبه‌هایی از این موضوع پرداخته‌اند. تاکنون پژوهش جامع و مستقلی در این مورد با رویکرد گفتمان‌های استعاری صورت نگرفته است. یعقوبی (۱۳۸۷) در کتاب «سیاست خارجی ایران در دوران سازندگی» دوران سازندگی سال‌های (۱۳۷۶-۱۳۶۸) را یکی از دوره‌های مهم تاریخ جمهوری اسلامی می‌داند. در این مقطع مسئولان سیاست خارجی ایران با اتخاذ رویکرد عمل‌گرایی به تعامل سازنده با جهان خارج، در عین پابندی به مبانی اصول‌گرایی اسلامی، اقدام نمودند. این امر موجبات شکل‌گیری دوران تنش‌زدایی را فراهم آورد. با اعلام تنش‌زدایی سعی شد با اتخاذ اهدافی در عرصه سیاست خارجی، ضمن تأمین نیازهای داخلی، بر سازگاری اهداف سیاست خارجی با محیط بین‌الملل افزوده شود. حسین زاده (۱۳۸۶) در نوشتاری با عنوان «گفتمان‌های حاکم بر دولت‌های بعد از انقلاب در جمهوری اسلامی ایران»، به اهداف و کارکردهای دولت‌های بعد از انقلاب می‌پردازد، وی تلاش می‌کند اوضاع و احوال تاریخی و شرایط اجتماعی و سیاسی، اهداف و برنامه‌ها، پایگاه اجتماعی و نیروهای سیاسی و اجتماعی حامی هر دولت را مورد بررسی قرار دهد. ایشان تلاش می‌کند گفتمان حاکم بر هر دولت را تبیین کند اما به شرایط ظهور، توسعه و فروپاشی گفتمان‌ها اشاره‌ای نمی‌کند و گفتمان حاکم بر هر دولت را به طور جداگانه مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد.

آقا حسینی و ببری گنبدی (۱۳۸۶)، در مقاله «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از ۱۳۷۶-۱۳۵۷ از منظر تحلیل گفتمان»، سیاست خارجی ایران را مورد بحث و بررسی قرار داده است و معتقد است جمهوری اسلامی ایران در دو دهه نخست حاکمیت خود، در سیاست خارجی فراز و نشیب‌های بسیاری را پشت سر گذاشته است.

ازغندی (۱۳۸۲) در کتاب «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، با ذکر چهار مرحله در سیاست خارجی ایران که شامل جهت‌گیری مصلحت‌محور، ارزش‌محور، منفعت‌محور عملگرا و فرهنگ‌گرای سیاست‌محور می‌باشد، سعی کرده بر

تغییر در سیاست‌های و تصمیم‌گیری‌ها نگاهی کلی داشته باشد. او با در نظر گرفتن هر چهار دوره به تحولاتی که منجر به تغییر در پروسه تصمیم‌گیری جمهوری اسلامی ایران شده، می‌پردازد. ازغندی معتقد است سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به لحاظ ساختاری، جغرافیایی، اجتماعی - سیاسی و نوع نگرش سیاستگذاران و مجریان نظام بین‌الملل، نقش و تأثیر بازیگران اصلی آن بر فرآیند تصمیم‌گیری و اجرای سیاست خارجی، حالتی منحصر به فرد دارد. وی یک تحلیل علمی چند سببی ارائه می‌دهد که قادر باشد با بررسی اصول، سیاست‌ها، ساختارها، روند و عاملین دیپلماسی موفقیت‌ها و ناکامی‌های سیاست خارجی را تبیین می‌کند (ازغندی، ۱۳۸۲: ۴). نویسنده در این اثر به خوبی گفتمان‌های حاکم بر سیاست خارجی را شناسایی نموده است اما به توضیح صرف این گفتمان‌ها بسنده کرده، و توجهی به چرایی و چگونگی توسعه و تحول این گفتمان‌ها نمی‌کند هم چنین او زمینه‌های تغییر در گفتمان‌ها و شرایط اضمحلال آنها که عمدتاً در حوزه سیاست توسط نخبگان هر گفتمان صورت می‌گیرد را مورد بررسی قرار نداده است.

متقی (۱۳۸۵) «جمهوری اسلامی و تحلیل گفتمان‌های سیاست خارجی»، به تحلیل سیاست خارجی ج.ا. ایران از دیدگاه گفتمانی پرداخته است. وی بیان می‌کند که هر قالب گفتمانی مبتنی بر نشانه‌هایی از ضرورت امنیتی می‌باشد. گفتمان‌های ائتلاف محور، مصالحه‌گرا، اعتمادساز و تعادل‌گرا پاسخی نسبت به تهدیدات امنیتی محسوب می‌گردد و از سوی دیگر زمینه‌های لازم برای حداکثرسازی منافع و امنیت ملی را در شرایط مختلف فراهم می‌سازد. این پژوهش در صدد است تا با استفاده از منابع فوق و تحقیقات مشابه دیگر، با برداشتن گامی رو به جلو، نواقص موجود در این زمینه را کاهش دهد. علاوه بر این، متون فوق‌الذکر، به تحلیل صرف گفتمانی بسنده کرده و نسبت به نقش و جایگاه استعاره در شکل‌گیری و تحول گفتمان‌های سیاست خارجی ج.ا. ایران بی‌توجه بوده‌اند، امری که در این پژوهش مورد عنایت ویژه قرار گرفته است.

۳. ماهیت استعاره و انواع آن

استعاره را می‌توان توصیفی بدانیم که از طریق تشبیه یک پدیده به پدیده دیگر، که باهم دارای وجوه مشترکی هستند، به روشن شدن ذهن ما یاری می‌دهد. «استعاره»^۱ یکی از ابزارهای ساخت تصاویر شعری است اما تنها مختص به ساحت شعر و شاعری نیست؛ در واقع، همه مردم استعاره می‌سازند و از آن برای بیان پیام اشکار و ضمنی خود کمک می‌گیرند. به عنوان مثال نوعی از گیاه را «گاو زبان» و یکی از اجزای ماشین را «سگ دست» می‌گویند. استعاره نه تنها در زندگی روزمره مردم کاربرد دارد، بلکه کمتر دانشمند و صاحب نظری را می‌توان یافت که در صورت بندی فرضیه‌های پژوهشی خود از استعاره استفاده نکرده باشد. مثلاً در علم بلاغت به آوردن کلمات هماهنگ در پایان قرینه‌های نثر، عنوان «سجع» (در لغت آواز کبوتر) داده‌اند یا در فن عروض به تکرار رکن فاعلاتن نام بحر «رمل» (در لغت با لیف خرما حصیر بافتن) داده‌اند که هر دو، نوعی استعاره است. ریچاردز، زبان‌شناس معاصر، استعاره را «منبع ضروری و خصلت زبان به حساب می‌آورد» و صاحب نظری چون لیکاف در این باره می‌گوید: «اگر روزی بخواهیم استعاره‌ها را از زبان خارج کنیم، چیزی باقی نخواهد ماند.» آن‌ها معتقدند غالب کلماتی که امروزه به صورت استعاره‌هایی مرده در آمده‌اند (مصطفوی، ۱۳۸۸، ۲۵).

استعاره در لغت مصدر باب استفعال و به معنی عاریت گرفتن است. گروهی از بلاغیون منشاء استعاره را مجاز دانسته و در اصطلاح می‌گویند لفظی است که در غیر معنی حقیقی خود به کار رود. بر پایه این نظر، استعاره نوعی مجاز است، با این ویژگی که ارتباط و علاقه بین معنی و حقیقی و مجازی آن، مشابهت است. شماری دیگر استعاره را در تعریف فشرده و خلاصه‌ای، تشبیه شمرده‌اند. با این توضیح که چون در استعاره از میان تمام ارکان تشبیه، فقط مشبه به ذکر و سه رکن دیگر (مشبه، وجه شبه و ادات تشبیه) حذف شده‌اند، منشاء آن تشبیه است. از این جهت استعاره را تشبیه محذوف الادات نیز نامیده‌اند. پس استعاره همان گونه از مجاز قابل اخذ

1 Metaphor

است، از تشبیه بیرون می‌آید (مصطفوی، ۱۳۸۸، ۲۷). استعاره دارای چهار رکن است که هر کدام با توجه به کارایی خود نام خاصی دارند. این ارکان عبارتند از: لفظ مستعار، مستعارمنه، مستعارله و جامع. چون در استعاره به وجود آورنده تناسب میان معنای مجازی و معنای حقیقی علاقه مشابهت است، بنابراین هر یک از این ارکان با تشبیه در ارتباطند. ارکان مذکور عبارتند از:

لفظ مستعار: در معنای به عاریت گرفته شده می‌باشد و واژه‌ای است که استعاره در آن اتفاق می‌افتد. مستعار همان لفظ مشابه به در تشبیه است.

مستعارمنه: در لغت به معنای عاریت گرفته شده از آن می‌باشد و در اصطلاح معنای قراردادی و لغوی لفظ مستعار (موضوع له، مشبه به) است. این رکن معادل مشبه به در تشبیه به شمار می‌آید.

مستعارله: در لغت به معنای عاریت آورده شده برای آنت و در اصطلاح معنای اصلی آن چیزی است که لفظ مستعار، مشبه به آن (موضوع له، مشبه) است. مستعارله برابر مشبه در تشبیه قرار دارد.

جامع: صفت مشترک میان مستعارمنه و مستعارله است که علاقه مشابهت را به وجود می‌آورد و مساوی با وجه شبه در تشبیه است (مصطفوی، ۱۳۸۸، ۲۸).

لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) استعاره‌های مفهومی را به سه دسته جهتی، هستی شناختی (وجودی) و ساختاری تقسیم کردند که در ادامه توضیح مختصری در مورد هر یک از آن‌ها ارائه می‌شود:

۱-۳. استعاره‌های جهتی

استعاره‌های جهتی، نوعی استعاره مفهومی‌اند که یکی از طرحواره‌های تصویری جهت‌های فضایی نظیر بالا-پایین، بیرون-درون یا یکی از جهت‌های غیر فضایی مانند فعال-منفعل را به مفهومی انتزاعی نسبت می‌دهند. بیشتر مفاهیم اصلی و بنیادی مانند مفاهیم کمیت و کیفیت، شادی و غم، خوبی و بدی و مرگ و زندگی بر مبنای یک یا چند استعاره جهتی، اغلب از نوع فضایی، در ذهن انسان‌ها سازماندهی می‌شوند. این استعاره‌ها که در اصل در ذهن و فکر شکل می‌گیرند به زبان خودکار

نیز راه می‌یابند، به طور مثال، در جمله «روحیه‌اش پایین آمده است» شرایط نامطلوب روحی در «پایین» توصیف شده است. البته شایان ذکر است که جهت‌های استعاری تصادفی نبوده و ریشه در تجارب فیزیکی و فرهنگی انسان‌ها دارد و ممکن است از فرهنگی به فرهنگ دیگر متفاوت باشد. (Lakeoff, 1999)

۲-۳. استعاره‌های هستی‌شناسانه یا وجودی

تجربه انسان از مواجهه با پدیده‌های جهان خارج به خصوص اشیاء فیزیکی، پایه و اساس استعاره‌های هستی‌شناسانه را تشکیل می‌دهد. در واقع، این نوع استعاره را می‌توان روش‌های درک و دریافت رخدادها، فعالیت‌ها، احساسات، عقاید و غیره به مثابه اشیاء و اجسام دانست. مثلاً در جمله «او به سوی امیدهایش گام برمی‌دارد». مفهوم امید بر اساس حوزه مبدأ به صورت مکان دریافت شده است.

۳-۳. استعاره‌های ساختاری

استعاره‌های ساختاری وظیفه سازمان‌دهی و قالب‌بندی یک مفهوم را در حوزه یک مفهوم دیگر به گونه‌ای نظام‌مند بر عهده دارند و نقش شناختی استعاره‌های مذکور این است که امکان درک حوزه مقصد را از طریق ساختار حوزه مبدأ برای فرد مهیا می‌کنند. برای مثال، یگانه و افراشی (۱۳۹۳) بیان می‌کنند که در نگاهت استعاری (زمان پول است) شاهد شکل‌گیری یک نظام منسجم در ذهن فارسی‌زبانان هستیم که در آن، زمان یک شیء مادی و باارزش در نظر گرفته شده است. از این رو، بازنمود این نگاهت در جمله «می‌توانم کمی دیگر زمان قرض بگیرم؟» مطرح می‌شود.

۴. روند تطور گفتن‌های استعاری در سیاست خارجی ایران

گفتن‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از درون ابرگفتن انقلاب اسلامی سربرآورده‌اند. در فرآیند انقلاب اسلامی، گفتن‌های هژمونیک شکل گرفت که ریشه در سنت اسلام داشت. این گفتن انقلابی از یک سو به بازتعریف نظم و نسق سیاسی - اجتماعی در حوزه سیاست داخلی و خارجی پرداخت و معیارهای متمایز و نوینی را برای تعریف و تعیین خود و دیگران در عرصه ملی و فراملی ارائه داد. از

طرف دیگر، گفتمان حاکم بر روابط و نظام بین الملل و در نتیجه نظم و نسق مستقر در آن را به چالش کشید. گفتمان انقلاب اسلامی نیز بنا بر ماهیت و هویت گفتمانی خود در گذار زمان دستخوش تغییر و تحول شده و در دوران‌های مختلف به صورت‌های گوناگون متجلی شده است. همانگونه که گفته شد، می‌توان بر اساس بعد دولتی سیاست خارجی، گفتمان حاکم بر دولت‌های روی کار آمده بعد از انقلاب اسلامی را به صورت زیر دوره بندی کرده و هر یک را به ترتیب مورد بررسی قرار داد:

۱-۴. دوران تثبیت انقلاب

بازه زمانی ۱۳۵۹-۱۳۵۷ که دوران تثبیت انقلاب به شمار می‌رود و طی آن فضای سیاسی کشور متشنج می‌باشد. در این میان، می‌توان به اقدامات تروریستی گروهک فرقان اشاره کرد که شخصیت‌های انقلابی و برجسته‌ای نظیر سید محمد ولی قرنی، محمد مفتاح، مرتضی مطهری و سید محمد علی قاضی طباطبایی به دست اعضای این فرقه ضاله به شهادت رسیدند. با این حال، مهم‌ترین پیشرانی که در این دوره زمانی بر شاخص انسجام نهادهای حاکمیتی تأثیر گذاشت، تسخیر لانه جاسوسی در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ به دست دانشجویان پیرو خط امام است که نه تنها سیاست خارجی کشور را برای دهه‌های آتی تعیین نمود، بلکه منجر به تصفیه نیروهای ضد انقلابی از بدنه اصلی انقلاب گردید. در پی این اقدام، دولت موقت مهندس بازرگان استعفاء داد و با پذیرش این استعفاء از طرف حضرت امام (ره)، عمر ۹ ماهه دوران ملی گرایان مذهبی خاتمه یافت. (شاه علی، ۱۳۸۴: ۷۲) دولت آمریکا که با سقوط رژیم پهلوی، متحد سنتی خویش در منطقه خاورمیانه را از دست داده و فرستاده‌هایش را در بند می‌دید، جهت آزادسازی گروگان‌هایش مبادرت به اجرای عملیات نظامی با عنوان پنجه عقاب توسط نیروی دلتا ورزید. لکن این عملیات در صحرای طبس با توفان شن مواجه گردیده و به شکست انجامید.

گفتمان حاکم در این دوره، گفتمان ملی‌گرایی لیبرال یا واقع‌گرایی منفعت‌محور است. این گفتمان به معنای نظام فکری و شبکه معنایی در سال‌های آغازین انقلاب

بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران حاکمیت نسبی یافت. این گفتمان در چارچوب سیاست عرفی، ملی گرایی، دموکراسی و لیبرالیسم به مفصل بندی محوری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و تعیین معنا و دال و مدلول‌های شناور در این حوزه پرداخت. تجلی و نمود عینی این گفتمان در سیاست خارجی ایران در دوران دولت موقت و ریاست جمهوری بنی صدر است که ملی گرایانی نظیر کریم سنجابی، ابراهیم یزدی، ابوالحسن بنی صدر و صادق قطب زاده مسئولیت وزارت خارجه را برعهده دارند. این گفتمان به موازات ملی گرایی در چارچوب نظام فکری لیبرال و انگاره‌ها و آموزه‌های لیبرالیسم به سیاست و حکومت و نقش و کارکرد دولت جمهوری اسلامی ایران می‌نگرد. پس بر نقش حداقلی دولت، آزادی‌های سیاسی، سیاست مسالمت جویی و دموکراسی تأکید می‌کند. در حوزه سیاست خارجی نیز بر سیاست مسالمت جویی و صلح طلبی مفرط مبتنی بر هنجارها، قواعد و نهادها و حقوق بین الملل و خوش بینی بیش از حد به سیاست بین الملل استوار است. (دهقانی فیروز آبادی، ۱۳۸۸)

۲-۴. دوران جنگ و آرمان گرایی

دوره دوم، فاصله سال‌های ۱۳۶۷-۱۳۶۰ را شامل می‌شود که مهمترین پیشران آن وقوع جنگ تحمیلی ۸ ساله است. در سال‌های پایانی این برهه زمانی یعنی در ۱۱ خرداد ۱۳۶۶، حزب جمهوری اسلامی که بر اساس نیاز به تشکل فراگیر از نیروهای انقلاب و انسجام و انتظام آن‌ها جهت خنثی سازی توطئه‌های دشمن تشکیل شده بود، تعطیل گردید. در نیمه دوم دهه ۱۳۶۰ جامعه روحانیت مبارز و مجمع روحانیون مبارز معرف دو جناح راست و چپ در سپهر سیاسی ایران بودند و سایر گروه‌های سیاسی فعال در داخل نظام، متحد یکی از این دو محسوب می‌شدند. افکار و اعتقادات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی این دو جناح تفاوت مشهودی با یکدیگر داشت و به تضعیف انسجام سیاسی میان نهادهای حاکمیتی در آن مقطع کمک می‌کرد (خواجه سروی، ۱۳۸۲: ۲۳۱-۲۳۰). انتخابات سومین دوره مجلس شورای اسلامی در ۱۵ فروردین ۱۳۶۷، به انشقاق جناح‌های راست و چپ اسلام گرا

رسمیت داد و با توجه به فضایی که در مجلس دوم ایجاد شده بود؛ اختلافات طولانی مدت، دولت، احزاب، جمعیت‌ها و جناح‌ها را تحت تأثیر قرار داد. این گفتمان بر مبنای اسلام سیاسی در جریان نهضت و انقلاب اسلامی شکل گرفت و در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تجلی و تبلور یافت. هسته اصلی این گفتمان، تأمین، بسط و حفظ ارزش‌ها و آرمان‌های اسلامی و انقلابی است که صیانت از جمهوری اسلامی ایران و انقلاب اسلامی مهم‌ترین آن‌ها به شمار می‌رود. اسلام‌گرایی انقلابی به معنای عدم توجه به واقعیت‌های موجود در عرصه سیاست خارجی و بین‌المللی نیست بلکه بدین معناست که با توجه به ماهیت و هویت انقلاب اسلامی و نظام سیاسی برخاسته از آن، اسلام و انقلاب اسلامی مهم‌ترین عناصر قوام بخش جمهوری اسلامی هستند که نقش و کارکرد آن را در حوزه‌های داخلی و خارجی تعیین و تعریف می‌کنند.

در چارچوب گفتمان آرمان‌گرایی بسط‌محور، جمهوری اسلامی ایران یک دولت اسلامی حداکثری است که مشروعیت خود را از خدا و اسلام کسب می‌کند. بنابراین، طبق این گفتمان، از آنجایی که جمهوری اسلامی ایران به عنوان دولتی است که به همه مسلمانان حتی مستضعفان جهان تعلق داشته و در مقابل آن‌ها تعهد دارد، سیاست خارجی آن از سیاست خارجی سایر دولت‌های ملی متعارف، متمایز و متفاوت خواهد بود. تلاش برای تغییر ماهوی و ساختاری نهادها و سازمان‌های بین‌المللی و به تبع آن اصول و هنجارهای حاکم بر تعاملات بین‌المللی نیز یکی دیگر از الزامات تحقق این هدف راهبری است. از این رو، در چارچوب گفتمان آرمان‌گرایی، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نسبت به نظم و وضع موجود تجدیدنظرکننده و انقلابی خواهد بود. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸).

۳-۴. دوران سازندگی

دوره زمانی بعدی، فاصله سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۶۸ را شامل می‌شود. با اصلاح قانون اساسی و شروع دوران سازندگی در سال ۱۳۶۸ که با ریاست جمهوری مرحوم هاشمی رفسنجانی همزمان گردید، به تدریج روند انسجام نهادهای حاکمیتی فزونی

یافت زیرا افرادی همچون آیت الله منتظری و باند مهدی هاشمی که مورد حمایت وی بود، از عرصه قدرت سیاسی کشور کنار گذاشته شده بودند و همچنین ضرورت بازسازی ویرانی‌های ناشی از جنگ ۸ ساله به شدت احساس می‌گردید.

گفتمان حاکم در این دوره، گفتمان واقع‌گرایی اسلامی است که در دوران موسوم به سازندگی، بین سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶ بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران حاکم شد. این گفتمان بر مفهوم گسترده‌تر مصلحت و نقش وسیع‌تر عقل و عقلانیت در تدوین و تدبیر سیاست خارجی متکی است به گونه‌ای که تأکید و تمرکز بر عنصر مصلحت در سیاست خارجی موجب عقلانی‌تر شدن آن می‌شود. لازمه و پیامد منطقی و ضروری عقلانیت نیز واقع‌نگری است. از این رو اصول حکومت و مصلحت به همراه عزت، مبنای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران قرار می‌گیرند.

پس جمهوری اسلامی ایران، ماهیت و هویتی اسلامی دارد که آن را از یک دولت ملی صرف، آن گونه که ملی‌گرایی لیبرال تعریف می‌کند، متمایز ساخته و به عنوان ام‌القری جهان اسلام، وظایف و مسئولیت‌های فراملی و اسلامی بر عهده آن می‌گذارد. در گفتمان واقع‌گرایی، علاوه بر دو عنصر هویت بخش ملت و دولت ایران، یعنی اسلام و انقلاب اسلامی، ملیت ایرانی و ایرانی بودن نیز مؤلفه و عامل هویت‌ساز مهم دیگر به شمار می‌رود. بنابراین در گفتمان واقع‌گرایی اسلامی بار دیگر عناصر اسلامی، انقلابی و ایرانی با هم ترکیب و تلفیق شده و هویت ایرانی را پایه‌آمیزه‌ای از ملیت ایرانی، اسلامیت و انقلابی‌گری بازسازی می‌کنند.

به عبارتی، واقع‌گرایی اسلامی ضمن انتقاد از نظم بین‌المللی موجود به بازسازی روابط جمهوری اسلامی ایران با کشورهای جهان و منطقه و استفاده از سازمان‌های بین‌المللی برای تأمین منافع ملی و مصالح اسلامی تأکید می‌کند، به گونه‌ای که از یک سو با نظم نوین جهانی مبتنی بر هژمونی آمریکا و سیاست‌های این کشور مخالفت می‌شود و از سوی دیگر، گسترش روابط با اروپا و شوروی و همچنین تنش

زایی با کشورهای عربی خلیج فارس در دستور کار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران قرار می‌گیرد.

۴-۴. دوران سازندگی

دوره تاریخی دیگر در روند انسجام نهادهای حاکمیتی کشور به دوران اصلاحات (۱۳۸۴-۱۳۷۶) مرسوم است. در این دوره ۸ ساله، حوادثی همچون رشد قارچ گونه مطبوعات و نشریه‌های سیاسی، بحران قتل‌های زنجیره‌ای، حادثه کوی دانشگاه ۷۸، ترور سعید حجازیان که به تئورسین اصلاحات معروف بود و تحصن برخی از نمایندگان مجلس ششم، بیش از پیش میزان انسجام در میان نهادهای حاکمیتی را پایین آورد. گفتمانی را که در طول دوران موسوم به اصلاحات بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران حاکم بود می‌توان صلح‌گرایی مردم سالار یا لیبرال نامید. این گفتمان از یک سو، تداوم و ادامه واقع‌گرایی است، زیرا بر مصلحت‌اندیشی خردگرا و عمل‌گرایی در سیاست خارجی است. اما از سوی دیگر، بر سیاست و فرهنگ بیش از اقتصاد تأکید می‌ورزد و توسعه سیاسی- فرهنگی را حیاتی‌تر و ضروری‌تر از توسعه اقتصادی و عدالت اجتماعی می‌پندارد. عقلانیت و مصلحت‌کامکان دو اصل بنیادین صلح‌گرایی در سیاست خارجی است ولی نه عقلانیت ابزاری صرف بلکه عقلانیت ارتباطی و اخلاقی، عقلانیتی که بر گفتگو و فهم بین‌ذهنی، جامعه‌عاری از سلطه و خشونت ساختار و حق انتخاب آزاد انسان استوار است.

در گفتمان صلح‌گرایی، تأکید بر ارزش‌های ملی و اهمیت دادن به ملیت ایرانی به معنای تقابل ایرانی بودن با اسلام یا جایگزین شدن ایدئولوژی ملی‌گرایی به جای اسلام‌گرایی نیست. نظم و وضع موجود بین‌المللی، ناعادلانه و نامطلوب است ولی جهت ایجاد و استقرار نظم و نظام عادلانه جهانی باید براساس اصول تنش‌زدایی، اعتمادسازی، همزیستی مسالمت‌آمیز، احترام متقابل، گفتگو و منطق مفاهمه اقدام کرد. در راستای تحقق این هدف، باید ساختار، مناسبات و منطق قدرت و سرمشق و پارادایم حاکم بر روابط اصل را اصلاح کرد. همچنین به موازات برقراری نظم مردم

سالارانه در داخل، باید برای ایجاد جامعه مدنی جهانی و مردم سالاری جهانی تلاش کرد. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸)

۵-۴. دوران عدالت جویی

پنجمین دوره تاریخی در بررسی وضعیت انسجام نهادهای حاکمیتی به دوران ۸ ساله دولت احمدی نژاد مربوط می‌شود. در این برهه تاریخی، محمود احمدی نژاد از طیف فکری راست گرایان جدید سکان اجرایی کشور را به دست می‌گیرد و با حمایت قاطبه نیروهای منتسب به جناح اصول گرایی از سیاست‌های وی، فضای مناسبی برای پی ریزی و اجرایی کردن برنامه‌هایش به دست می‌آورد. با تأسیس حزب آبادگران که اعضای آن را همفکران دولت وقت تشکیل می‌دادند و راه یابی آن‌ها به مجلس هفتم، میزان انسجام نهادهای حاکمیتی در فاصله زمانی ۱۳۸۴ تا انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۳۸۸ افزایش می‌یابد.

در سایه بحران ایجاد شده پیرامون دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری کشور و گسترش شائبه تقلب در آن، فتنه بزرگی دامن گیر نهادهای حاکمیتی شد و میزان انسجام نهادهای حاکمیتی از سال‌های پایانی دهه ۶۰ تا آن مقطع زمانی به کمترین حد خود تنزل پیدا کرد. این بحران که با شکستن حرمت‌ها از مناظره‌های تلویزیونی شروع گردید، فضای بسیار متشنجی را در میان اقشار مردمی به وجود آورد و زمینه را برای مداخله خارجی به صورت نرم و در قالب انقلاب‌های رنگی فراهم نمود. با این حال، نظام جمهوری اسلامی با حمایت مردمی و هوشیاری خود توانست از این فتنه نیز به سلامت عبور کند لکن بحران مزبور هزینه‌های مادی و معنوی گزافی را بر نهادهای حاکمیتی کشور تحمیل کرد. همچنین گفتمان آرمان گرایانه و انتقادی دولت نهم و دهم، روابط خارجی ایران را با کشورهای غربی از حالت چالش به وضعیت تخاصم رساند و با انتقال پرونده هسته‌ای کشور به شورای امنیت سازمان ملل متحد و صدور ۶ قطعنامه ذیل فصل هفتم منشور علیه ج.ا.ایران به اعمال تحریم‌های گسترده بین‌المللی علیه دولت و ملت ایران منجر شد. این تحریم‌ها همراه با ضعف در مدیریت اقتصادی کشور به کاهش محسوس ارزش واحد پول

ملی، تورم فزاینده و نهایتاً نارضایتی گسترده از وضعیت معیشتی کشور ختم گردید و زمینه تغییر گفتمانی در سیاست داخلی و خارجی و روی کار آمدن دولت یازدهم به ریاست حسن روحانی را فراهم آورد. اگرچه محور گفتمان اصول گرایی عدالت محور، عدالت طلبی و عدالت گستری است و دال متعالی عدالت به این گفتمان هویت می‌بخشد ولی این دال و مفهوم کانونی در چارچوب اصول گرایی تعریف می‌شود. عدالت طلبی و عدالت گستری در عرصه سیاست خارجی و روابط بین الملل، ناشی از اصلاح و نوآوری در منظومه فکری ارزشی و آرمانی انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی نیست بلکه نمود و تجلی بازگشت به یکی از اصول و ارزش‌های اولیه و بنیادی انقلاب اسلامی و اندیشه‌های بنیان گذار جمهوری اسلامی قلمداد می‌شود. در واقع، یکی از اصول و شاخصه‌های اصول گرایی در چارچوب گفتمان اسلام گرایی انقلابی، عدالت خواهی است. بر این اساس، رهبر انقلاب اسلامی، "عدالت خواهی و عدالت گستری" را نخستین و مهم‌ترین شاخص اصول گرایی بیان داشت.

در گفتمان عدالت جویی، ارزش و عنصر کانونی هویت بخش به جمهوری اسلامی ایران، عدالت است. ارزش و آرمانی که در هر سه منبع هویت ساز ایران یعنی اسلام، انقلاب اسلامی و ملیت ایرانی جایگاه مرکزی دارد. بدون شک، وجه تمایز گفتمان اصول گرایی عدالت محور با سایر خرده گفتمان‌های اسلام گرایی، معنا و جایگاه نظم و نظام بین الملل در چارچوب این گفتمان است. این گفتمان که اهمیت خاصی به دال متعالی عدالت می‌دهد، عدالت گستری و عدالت خواهی را پایه سیاست خارجی ایران قرار می‌دهد. تحقق این هدف مستلزم تغییر وضع جهانی موجود به منظور برقراری نظم مطلوب اسلامی است. این امر به معنای عدم پذیرش نظم و نظام بین الملل موجود و مبارزه با آن و تلاش برای اصلاح و تغییر ساختاری آن است. استقرار نظم عادلانه بین المللی اسلامی در دو مرحله صورت می‌پذیرد: در مرحله اول، نظم و وضع موجود تخریب شده و تغییر می‌یابد و سپس در مرحله بعدی نامطلوب اسلامی ترویج و تقویت می‌شود (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸، ۲۳۹-۱۹۷).

۶-۴. دوران اعتدال خواهی (از ۱۳۹۲ تا به امروز)

در دوران فعلی نیز که با عنوان دولت تدبیر و امید شناخته می‌شود، دولت وقت بسیاری از انرژی خویش را مصروف سرو سامان دادن به وضعیت اقتصادی نابسامان داخلی و به نتیجه رساندن مذاکرات هسته‌ای با گروه ۱+۵ ساخته است و به علت اختلاف نظرهای جدی پیرامون ابعاد، ماهیت و پیامدهای این مذاکرات و توافق نهایی احتمالی و همچنین تداوم قدرت جریان منتسب به اصولگرایی در مجلس شورای اسلامی و سایر نهادهای انقلابی کشور، همچنان وضعیت انسجام نهادهای حاکمیتی حالت سینوسی را تجربه می‌کند.

پس از انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۹۲ و پس از سپری کردن هشت سال ناملایمات داخلی و بحران خارجی حول محور پرونده هسته‌ای کشور، آقای روحانی به عنوان رئیس جمهور منتخب کشور، معضل کلیدی و مهم کشور را مسائل داخلی تشخیص نداده و بر روی سیاست خارجی تمرکز کردند. واژه محوری ایده‌های انتخاباتی آقای دکتر روحانی در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۲، اعتدال بود. روحانی همواره اندیشه‌ای از اعتدال را مد نظر داشته است، اگرچه زمانی این مشی برای خود وی معنا می‌شده است و امروز چنان که استدلال خواهم کرد، مقوله‌ای است که در تعامل میان جریان‌های اجتماعی و کسی که منادی آن شده است معنا خواهد یافت. از اولین روز بعد از پیروزی آقای دکتر روحانی در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۲، مایل بودند کار گروهی برای تبیین مفهوم اعتدال آغاز به کار کند. ساده‌ترین و شاید پربازده‌ترین کار نظرخواهی از متفکران علوم اجتماعی، علوم سیاسی، علوم دینی و سایر حوزه‌های مرتبط با علوم انسانی و اجتماعی در خصوص اعتدال بود (حاجیانی، ۱۳۹۳، ۷). باید خاطر نشان کرد که علاوه بر عوامل داخلی که نقش بسیار مهمی در تغییر و تحولات بعد از انقلاب ایفا کرده‌اند، ساختار نظام بین الملل هم تأثیر زیادی در روند این تغییرات داشت. در واقع، پذیرش قطعنامه ۵۹۸، پایان جنگ عراق علیه ایران و فروپاشی شوروی و تأثیر آن بر روابط بین الملل از جمله عواملی بودند که در دو سطح داخلی و بین المللی بر روند سیاستگذاری نظام

و چگونگی تفکر و شیوه تصمیم‌گیری نخبگان در خصوص مسائل عمده کشور شدیداً تأثیر گذاشتند، افزون بر این خرابی‌های جنگ و مشکلات مالی و معنوی ناشی از آن، نابودی مراکز تولید و کاهش سرمایه ملی، محاصره اقتصادی و به طور کلی نابسامانی‌های اقتصادی و تنگناهای سیاست داخلی، موجودیت جمهوری اسلامی را شدیداً تهدید می‌کرد و ضمن اینکه تعقیب سیاست بی‌اعتنایی به ترتیبات بین‌المللی طی هشت سال جنگ، هیچ‌یک از خواسته‌های تجدید نظر طلبانه بین‌المللی ایران را تأمین نکرده بود. تحت تأثیر این عوامل به تدریج دولت با اکراه و اجبار واقعیت‌های نظام بین‌الملل و شرایط داخلی و بحرانی را پذیرفت و برای سامان دادن به اوضاع داخلی و بازسازی کشور در عرصه اقتصادی، اصلاح طلبی اقتصادی یعنی (گذر از اقتصاد جنگی به اقتصاد برنامه‌ریزی شده) و در عرصه سیاسی، عادی‌سازی روابط را سرلوحه کار خویش قرار داد (ازغندی، ۱۳۷۸: ۱۵).

هرگاه پوشش گفتمانی ایده جمهوری اسلامی در میان گزینه‌های چپ و راست آسیب ببیند و هر یک از این طیف‌ها و یا آرمان‌ها و ایده‌آل‌های آن‌ها خارج از گفتمان مسلط نظام قرار گیرد، تداوم امنیت نرم در جمهوری اسلامی منوط به بازسازی گفتمانی یا بازتولید گفتمانی با هدف دربرگیری یا شمول‌بخشی به کارگزاران و گزاره‌های کنارگذاشته‌شده یا طردشده است. بازتولید گفتمانی در این سطح، مانع از جایابی اپوزیسیون جمهوری اسلامی به مثابه گروهی سازمان‌یافته که می‌تواند خود را به منزله آلترناتیو و بدیل نظام سیاسی مطرح و معرفی نماید، در فضای رقابت‌های سیاسی در جامعه ایرانی می‌شود و تداوم هژمونی گفتمانی جمهوری اسلامی را تضمین می‌کند.

علاوه بر این، بازتولید گفتمانی نیازمند شکل‌گیری زبان سیاسی جدید و بدون خشونت و بهره‌گیری از فضاها و فضاها جدید همچون اینترنت، شبکه‌های ماهواره‌ای و پیام‌های موبایلی برای ارتباط با پایگاه اجتماعی است تا عنصر جذابیت را نیز دربرگیرد و به وجه نمایشی سیاست در دوران جدید توجه کند. راهبرد بازتولید گفتمانی در تجربه سی‌ساله جمهوری اسلامی، نمونه‌های قابل ذکر و نسبتاً موفق -

حداقل در کوتاه‌مدت یا میان‌مدت - داشته است. گفتمان پیروز شده در انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری نیز مبین تلاش برای بازتولید گفتمان اصلی جمهوری اسلامی در قالب نوعی پیوند میان اسلام‌گرایی و اقتصادگرایی بود و می‌کوشید با اتخاذ سیاست‌های عمل‌گرا و اقتضایی در حوزه اقتصاد، خدمات اقتصادی - معیشتی ملموس و معطوف به زندگی روزمره مردم را در خدمت حفظ و تداوم اصول اسلامی و هویتی نظام قرار دهد.

این بازتولید گفتمانی با هدف بازگرداندن اسلام‌گرایان و محرومین به متن گفتمان جمهوری اسلامی انجام می‌شد، چرا که تصور می‌رفت گفتمان توسعه‌محور، این دو گروه را به تدریج به حاشیه گفتمان اصلی نظام سوق می‌دهد. گفتمان‌های سیاسی نیز همانند ارتش‌ها نیازمند وحدت، گزاره‌های اخلاقی و انضباط درونی هستند. همچنان‌که وحدت و حمیت در نیروهای نظامی می‌تواند شمار کم آنها را جبران کند. انسجام درونی گفتمان‌های سیاسی نیز می‌تواند سادگی و ناپیچیدگی آنها را تا حدی پوشش دهد و تداوم هژمونی آنها را به واسطه بازتولید گفتمانی تضمین نماید. (پورسعید، ۱۳۸۸: ۱۶۰-۱۵۶)

۵. کاربرد استعاره در گفتمان‌های سیاسی مقامات ارشد دولت ج.ا. ایران

زبان استعاری نیز به عنوان بخشی از زبان در این فرآیند ترغیب کاربرد زیادی دارد. عبارات استعاری که ساختار ارتباط را شکل می‌دهند از یافته‌های مهم در زبان‌شناسی شناختی به شمار می‌آیند (به طور مثال، لیکاف و جانسون، ۱۹۸۰). اگرچه به طور معمول استعاره‌ها را به طور جداگانه و فردی مدنظر قرار می‌دهند ولی اکثر آنها عباراتی با کاربرد روزمره‌اند که گروه‌های نظام مندی را تشکیل می‌دهند که خود چارچوبی برای گفتمان ارائه می‌کنند. استعاره ویژگی‌های مهمی دارد ولی احتمالاً مهم‌ترین آنها، توانایی درک یک حوزه مفهومی بر اساس حوزه مفهومی دیگر است. اکثر سیاستمداران و شخصیت‌های سیاسی استعاره را در راستای ملموس ساختن مفاهیم و ایدئولوژی‌های خاص برای مخاطب و عموم مردم، در کلام خود به کار می‌برند. زبان استعاری به مثابه ابزاری در دستان رؤسای جمهور است تا بتوانند مردم

را درمورد فعالیت‌های ضروری که قرار است در کشور رخ دهد، متقاعد سازند. مفهوم ترغیب و متقاعدسازی، نکته مهمی در کارآمدی کلام رئیس جمهور است که نقش بسزایی در تصمیمات سیاسی وی نیز دارد.

۱-۵. تحلیل داده‌ها

تحلیل متن سخنرانی‌ها بر مبنای طبقه بندی لیکاف و جانسون از استعاره‌ها صورت می‌گیرد. این طبقه بندی شامل سه نوع استعاره می‌شود: الف) استعاره ساختاری؛ ب) استعاره جهت‌ی؛ ج) استعاره وجودی و ماده. بر مبنای این طبقه بندی، استعاره‌های موجود در متن پیکره‌ها شناسایی شده و نوع آن‌ها تعیین می‌شود.

الف) استعاره ساختاری

لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) اشاره می‌کنند که ایده‌ها در استعاره، اوپژه اند و کلمات، مظروف‌اند و کل فرآیند ارتباطی به مثابه ارسال ایده‌ها در کلمات برای مخاطبانی است که می‌توانند این ایده‌ها را از کلمات دریابند. استعاره "وقت طلاست"، برخورد و رفتار روزمره ما با زمان را در قالب جملات و عباراتی نظیر "در دوره بیماری، زمان زیادی از دست دادم" یا "وقت و تلاش را در این کار سرمایه گذاری کردم" توضیح می‌دهد.

ب) استعاره جهت‌ی

استعاره‌های جهت‌ی، نوعی استعاره مفهومی‌اند که یکی از طرحواره های تصویری جهت‌های فضایی نظیر بالا-پایین، بیرون-درون یا یکی از جهت‌های غیر فضایی مانند فعال-منفعل را به مفهومی انتزاعی نسبت می‌دهند. بیشتر مفاهیم اصلی و بنیادی مانند مفاهیم کمیت و کیفیت، شادی و غم، خوبی و بدی و مرگ و زندگی بر مبنای یک یا چند استعاره جهت‌ی، اغلب از نوع فضایی، در ذهن انسان‌ها سازماندهی می‌شوند. این استعاره‌ها که در اصل در ذهن و فکر شکل می‌گیرند به زبان خودکار نیز راه می‌یابند، به طور مثال بر اساس استعاره "بیشتر بالاست"، چنین عبارات استعاری به زبان خودکار راه یافته‌اند: هنگام احساس خطر، ضربان قلب بالا می‌رود، تورم باعث بالا رفتن قیمت‌ها شد.

ج) استعاره وجودی (هستی شناختی)

لیکاف و جانسون (۱۹۸۰)، استعاره‌های مربوط به تجربیات ما از اشیای فیزیکی، از جمله جسم خود را استعاره‌های وجودی یا هستی شناختی می‌نامند. مثلاً، استعاره "ذهن یک موجودیت است"، یک استعاره هستی شناختی رایج است که در قالب استعاره "ذهن ماشین است" بیشتر توضیح داده می‌شود.

پس از بررسی متن سخنرانی‌ها و شناسایی سه نوع استعاره ساختاری، جهت‌ی و وجودی ابتدا جدولی از تمامی استعاره تهیه شده و سپس به طور مجزا برای هر یک از آن‌ها چند نمونه ارائه می‌شود، در نهایت بسامد و درصد هر یک از آن‌ها به همراه اطلاعات دیگری در جدول‌هایی جداگانه گنجانده می‌شود.

۲-۵. نمونه استعاره‌های ساختاری در پیکره‌های تحقیق

استعاره‌های ساختاری غالباً به منظور بیان ایده‌ها در قالب استعاره به کار می‌روند. در زیر به چند نمونه از استعاره‌های ساختاری اشاره می‌شود که در پیکره تحقیق به کار رفته‌اند. سپس در جدول ۳-۵ آمار مربوط به استعاره‌های ساختاری مورد استفاده در پیکره تحقیق ارائه می‌شود.

نمونه ۱. استعاره هستی و وجود به منزله سرمایه در قالب جمله زیر:

جهت کسب استقلال، آزادی و کرامات انسانی باید از هستی خود سرمایه گذارند.

نمونه ۲. استعاره هر چیزی قیمت و بهایی دارد در قالب جمله‌های زیر:

قادریم برای حفظ استقلال خود بیشترین بها را بپردازیم.

هفت کشور و اتحادیه اروپایی در این مذاکرات، زمان و سرمایه دیپلماتیک فراوانی صرف کردند.

نمونه ۳. استعاره سیاست به مثابه بازی است در قالب جمله‌های زیر:

از شگفت‌انگیزترین بازی‌های سیاست این که مظلوم‌ترین قربانیان تروریسم کور و خشن به تروریسم متهم می‌شوند.

در سیاست نیز باید چند جانبه‌گرایی و بازی‌های برد برد، مبنا واقع شود.

جدول ۱. تحلیل استعاره ساختاری در سخنرانی رؤسای جمهور ایران در مجمع عمومی سازمان ملل

رئیس جمهور یا مقام ارشد	سال ارائه سخنرانی	بسامد استعاره ساختاری	تعداد کل استعاره‌ها	درصد استعاره ساختاری در هر سخنرانی	درصد استعاره ساختاری در کل
محمد علی رجایی	۱۳۵۹	۳۷	۴۳	۸۶,۰۴	۱۷,۹۶
آیت الله خامنه‌ای	۱۳۶۶	۷۳	۷۶	۹۶,۰۵	۳۵,۴۳
سید محمد خاتمی	۱۳۷۷	۳۳	۴۳	۷۶,۷۴	۱۶,۰۱
محمود احمدی نژاد	۱۳۸۸	۱۷	۲۰	۸۵,۰۰	۸,۲۵
حسن روحانی	۱۳۹۴	۲۲	۲۴	۹۱,۶۶	۱۰,۶۷
تعداد کل		۱۸۲	۲۰۶	۸۱,۳۵	

همان طور که جدول ۱ نشان می‌دهد از تعداد کل ۲۰۶ استعاره ساختاری یافت شده در پیکره این تحقیق، ۱۸۲ استعاره از نوع ساختاری هستند. در کل، از میان مقامات ارشد و رؤسای جمهور دولت جمهوری اسلامی ایران در دوره‌های مختلف، آیت الله خامنه‌ای با کاربرد ۷۳ (۳۵,۴۳ درصد) استعاره ساختاری در سخنرانی خود بیشترین استفاده را از این نوع استعاره کرده است. پس از او به ترتیب محمد علی رجایی با ۳۷ مورد (۱۷,۹۶ درصد)، سید محمد خاتمی با ۳۳ مورد (۱۶,۰۱ درصد)، حسن روحانی با ۲۲ مورد (۱۰,۶۷ درصد) و محمود احمدی نژاد با ۱۷ مورد (۸,۲۵ درصد) قرار دارند. درصد کل استفاده از استعاره ساختاری در سخنرانی‌های مورد بررسی در این تحقیق ۸۱,۳۵ درصد است. این درصد بالا نشان می‌دهد که مقامات ارشد دولتی و رؤسای جمهوری اسلامی ایران در دوره‌های مختلف بیشتر از استعاره ساختاری در سخنرانی‌های خود در مجمع عمومی سازمان ملل استفاده کرده‌اند.

۲-۵. نمونه استعاره‌های جهتی در پیکره‌های تحقیق

استعاره‌های جهتی بیشتر به شکل قیدهایی نظیر قیده‌های مربوط به جهات اصلی مانند بالا، پایین، جلو و عقب هستند که کاربرد استعاری یافته‌اند و در زبان خودکار نیز استفاده می‌شوند. برخی از نمونه‌های این نوع استعاره در پیکره این تحقیق به شرح زیر می‌باشند.

نمونه ۱. استعاره عقب، پست‌تر است در قالب جمله‌های زیر:
 وضعیت کشورهای عقب نگه داشته شده، اسفبارتر است؛
 جز پنداری باطل و نشانه عقب ماندگی صاحبان این پندار از سیر در تاریخ نیست.
 نمونه ۲. استفاده از قید زیر به صورت استعاری در قالب جمله زیر:
 کشوری که سرزمین و مردمش در زیر چکمه‌ها و رگبارهای دشمن است.
 نمونه ۳. استفاده از قید جلو و پیش رفتن به صورت استعاری در قالب جملات زیر:
 این کشور به خاطر رهبری به سوی آرمان‌های اصیل انسانی می‌چگند؛ یا ... گامی به
 پیش به شمار می‌رود.

جدول ۲. تحلیل استعاره جهتی در سخنرانی رؤسای جمهور ایران در مجمع عمومی سازمان ملل

رئیس جمهور یا مقام ارشد	سال ارائه سخنرانی	بسامد استعاره جهتی	تعداد کل استعاره‌ها	درصد استعاره جهتی در هر سخنرانی	در صد استعاره جهتی در کل
محمد علی رجایی	۱۳۵۹	۳	۴۳	۶,۹۸	۱,۴۵
آیت الله خامنه‌ای	۱۳۶۶	۰	۷۶	۰,۰۰	۰,۰۰
سید محمد خاتمی	۱۳۷۷	۴	۴۳	۹,۳۰	۱,۹۴
محمود احمدی نژاد	۱۳۸۸	۲	۲۰	۱۰,۰۰	۰,۹۷
حسن روحانی	۱۳۹۴	۱	۲۴	۴,۱۶	۰,۴۸
تعداد کل		۱۰	۲۰۶		۴,۸۵

جدول ۲ به بررسی و تحلیل آماری کاربرد استعاره جهتی در سخنرانی مقامات دولتی ارشد یا رؤسای جمهور ایران در مجمع عمومی سازمان ملل می‌پردازد. از تعداد کل ۲۰۶ استعاره یافت شده در پیکره تحقیق، ۱۰ (۴,۸۵ درصد) استعاره جهتی وجود دارد. همان طور که نمونه‌های ذکر شده نیز نشان می‌دهند، استعاره‌های جهتی مورد استفاده در پیکره این تحقیق غالباً قیده‌های جهات اصلی مانند بالا-پایین، جلو-عقب، زیررو یا استفاده از واژگان نشان دهنده جهت مانند قطب در اصطلاح دوقطبی هستند. طبق داده‌های آماری جدول فوق، سید محمد خاتمی با کاربرد ۴ استعاره جهتی (۱,۹۴ درصد) بیشترین استفاده را از این نوع استعاره داشته است. پس از وی به

ترتیب محمدعلی رجایی با ۳ مورد (۱,۴۵ درصد)، محمود احمدی نژاد با ۲ مورد (۰,۹۷ درصد) و حسن روحانی با یک مورد (۰,۴۸ درصد) کاربرد استعاره جهتی قرار دارند. آیت الله خامنه‌ای از استعاره جهتی در سخنرانی خود بهره‌ای نبرده است. بنابراین با توجه به تعداد اندک استعاره جهتی در سخنرانی‌های مورد بررسی در این تحقیق می‌توان نتیجه‌گیری کرد که مقامات ارشد یا رؤسای جمهوری اسلامی ایران تمایل زیادی به کاربرد استعاره‌های جهتی در گفتمان‌های سیاسی خود ندارند.

۳-۵. نمونه استعاره‌های وجودی در پیکره‌های تحقیق

طبق تعبیر لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) استعاره‌های وجودی به تجربیات ما از اشیا و ماهیت‌های فیزیکی از جمله جسم خود ما مربوط می‌شوند. در زیر به چند نمونه از استعاره‌های وجودی در پیکره تحقیق اشاره می‌شود:

نمونه ۱. استعاره هستی آدمی چراغ است در قالب جمله زیر:

چراغ هستی آدمی با تمنای رستگاری روشن بوده و هست.

نمونه ۲. استعاره مرگ پایان زندگی نیست در قالب جمله زیر:

مرگ، نه پایان زندگی، که دروازه ابدیت و سرآغاز نشأتی جدید است.

نمونه ۳. وطن هرکس خانه اوست در قالب جمله زیر:

فلسطین خانه فلسطینیان است.

نمونه ۴. استعاره خانواده بنیان جامعه است در قالب جمله زیر:

خانواده بستر بی بدیل رشد جامعه بشری و اعتلای شخصیت فردی-اجتماعی انسان است.

جدول ۳. تحلیل استعاره وجودی در سخنرانی رؤسای جمهور ایران در مجمع عمومی سازمان ملل

رئیس جمهور یا مقام ارشد	سال ارائه سخنرانی	بسامد استعاره وجودی	تعداد کل استعاره‌ها	درصد استعاره وجودی در هر سخنرانی	درصد استعاره وجودی در کل
محمد علی رجایی	۱۳۵۹	۴	۴۳	۹,۳۰	۱,۹۴
آیت الله خامنه‌ای	۱۳۶۶	۳	۷۶	۳,۹۵	۱,۴۵
سید محمد خاتمی	۱۳۷۷	۵	۴۳	۱۱,۶۳	۲,۴۲
محمود احمدی نژاد	۱۳۸۸	۱	۲۰	۵,۰۰	۰,۴۸
حسن روحانی	۱۳۹۴	۱	۲۴	۴,۱۶	۰,۴۸
تعداد کل		۱۴	۲۰۶	۶,۷۹	

در جدول ۳ داده‌های آماری مربوط به کاربرد استعاره‌های وجودی در گفتمان‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران ارائه می‌شوند. طبق این جدول از تعداد کل ۲۰۶ استعاره مورد استفاده در پیکره تحقیق، ۱۴ استعاره (۶,۷۹ درصد) از نوع وجودی یا هستی شناختی‌اند. در اینجا، سید محمد خاتمی با ۵ مورد (۲,۴۲ درصد) استفاده از استعاره وجودی بیش از سایرین این نوع استعاره را در گفتمان سیاست خارجی خود به کار برده است. پس از او به ترتیب محمد علی رجایی با ۴ مورد (۱,۹۴ درصد)، آیت الله خامنه‌ای با ۳ مورد (۱,۴۵ درصد)، محمود احمدی نژاد و حسن روحانی هر دو با ۱ مورد (۰,۴۸) استعاره هستی شناختی، قرار می‌گیرند.

جدول (۴). کاربرد کلی استعاره در پیکره تحقیق

رئیس جمهور یا مقام ارشد	سال ارائه سخنرانی	تعداد کل استعاره‌ها	درصد کل استعاره‌ها
محمد علی رجایی	۱۳۵۹	۴۳	۲۰,۸۷
آیت الله خامنه‌ای	۱۳۶۶	۷۶	۳۶,۸۹
سید محمد خاتمی	۱۳۷۷	۴۳	۲۰,۸۷
محمود احمدی نژاد	۱۳۸۸	۲۰	۹,۷۰
حسن روحانی	۱۳۹۴	۲۴	۱۱,۶۵
تعداد کل		۲۰۶	۱۰۰,۰۰

همان طور که در جدول ۴ می‌توان مشاهده کرد از تعداد کل ۲۰۶ استعاره در متن سخنرانی‌ها، ۷۶ استعاره (۳۶٫۸۹ درصد) توسط آیت الله خامنه‌ای به کاررفته‌اند. محمد علی رجایی و سید محمد خاتمی هردو به طور تقریباً یکسانی از کاربرد گفتمان استعاری در سیاست خارجی خود بهره برده‌اند و از ۴۳ استعاره (۲۰٫۸۷ درصد) در سخنرانی خود استفاده کرده‌اند. پس از آن‌ها حسن روحانی با ۲۴ مورد استعاره (۱۱٫۶۵ درصد) و محمود احمدی نژاد با ۲۰ مورد کاربرد استعاره (۹٫۷۰ درصد) قرار دارند.

نتیجه گیری

قدرت و استعاره آن با هر مشخصه و تعریفی که تصور شود، مسلماً ارتباط بسیار نزدیکی با مباحث شناختی، فرهنگی و تمدنی دارد. یعنی قالبها و فرآیندهایی که بستر شکل گیری آن را معین می‌کند. استعاره‌های ساختاری به منزله راهی برای ارسال ایده‌ها در کلماتی است که مخاطبان آن‌ها را درمی‌یابند. گرچه استعاره‌های مفهومی را می‌توان به سه دسته جهتی، هستی شناختی (وجودی) و ساختاری تقسیم کرد، ولی همه استعاره‌ها، ساختاری‌اند چون همه آن‌ها از ساختاری برای ساختار دیگر الگوبرداری می‌کنند و همه آن‌ها وجودی‌اند زیرا هستی‌هایی در قلمرو مقصد می‌آفرینند. تحلیل آمار مربوط به داده‌های این تحقیق نیز بر این نظر لیکاف صحه می‌گذارد زیرا همان طور که مشاهده شد مقامات ارشد دولت جمهوری اسلامی ایران در دوره‌های مختلف بیشتر از استعاره ساختاری در گفتمان‌های سیاسی خود استفاده کرده‌اند که نشان می‌دهد مرز آشکاری بین این نوع استعاره و دو استعاره جهتی و هستی شناختی (وجودی) وجود ندارد. از سوی دیگر اگرچه بسامد استعاره‌های ساختاری بیشتر است ولی از آنجایی که این استعاره‌ها، استعاره‌های قراردادی‌اند نمی‌توانند به اندازه استعاره‌های جهتی و وجودی که استعاره‌های بدیع و خلاقانه هستند، تأثیرگذار باشند. سیاستمداران نیز با آگاهی از چنین نقش‌هایی، استعاره را در گفتمان‌های سیاسی خود به کار می‌گیرند. در حقیقت افزایش اهمیت تمام انواع گفتارهای عمومی نشان می‌دهد که گفتار سیاسی به عنوان شاهراه ارتباطی سیاستمدار



با مردم، نقش بسیار مهمی در دیالوگ بین سیاستمداران و مردم ایفا می‌کند. معیار زبان شناختی خاصی نیست که بتواند مبنایی برای ایجاد تمایز بین ترغیب و دستکاری قرار گیرد، حال این که مؤلفه‌های اخلاقی که ایجاد کننده چنین تمایزی هستند، خارج از حدود تحلیل زبانشناختی قرار می‌گیرند. بیان ترغیبی خوب بیانی است که برون داد واقعی و مورد مطلوب گوینده تولید کند، کاری که بیان ترغیبی بد نمی‌تواند انجام دهد. همچنین باید اشاره کنیم که مؤلفه‌های دیگری نیز وجود دارند که می‌توانند برون داد واقعی را تحت تأثیر قرار دهند و حتی اثر ترغیبی بیان خوب مانند موقعیت سیاسی وسیع‌تر و روابط قدرت سیاسی را افزایش بخشند.

تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق به خوبی نشان می‌دهد که تمامی مقامات ارشد و رؤسای جمهور ایران در دروه‌های مختلف به خوبی از گفتمان استعاری در بیان عقاید، نظرات و مواضع خود در سیاست خارجی بهره برده‌اند. بنابراین می‌توان گفت که فرضیه اصلی این پژوهش مبنی بر اهمیت و جایگاه گفتمان‌های استعاری در شکل‌گیری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به راحتی قابل اثبات است؛ چراکه آن‌ها نقش بسزایی در انتقال پیام‌های سیاسی در بستر سیاست خارجی کشور داشته‌اند. به گونه‌ای که به نظر می‌رسد بدون استفاده از استعاره‌ها، ارسال ایده‌ها به مخاطبان سیاست خارجی بسی دشوار و ناکارآمد باشد.

منابع

الف- فارسی

- ازغندی، ع. ۱۳۷۸. «تنش زدایی در سیاست خارجی، مورد: جمهوری اسلامی ۷۸-۱۳۶۷»، مجله سیاست خارجی، سال سیزدهم، شماره ۴.
- ازغندی، ع. ۱۳۸۲. سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: نشر قومس.
- آقاحسینی، ع و بیری گنبد، س. ۱۳۸۶. بررسی سیاست خارجی ج. ا. ایران از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۷۶ از منظر تحلیل گفتمان، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، شماره ۳۴.
- الفت پور، م. ۱۳۸۹. چهل تدبیر: مروری بر مقاطع بحرانی تاریخ جمهوری اسلامی ایران. تهران: معونت سیاسی ساعس ناجا.
- بشیریه، ح. ۱۳۸۵. دیپاچه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی؛ دوره جمهوری اسلامی، تهران: نگاه معاصر.
- بهرامپور، ش. ۱۳۷۸. درآمدی بر تحلیل گفتمان»، محمدرضا تاجیک، گفتمان و تحلیل گفتمان، تهران: فرهنگ گفتمان.
- پورسعید، ف. ۱۳۸۸. «بازتولیدگفتمانی؛ راهبرد استقرار امنیت نرم» فصلنامه مطالعات راهبردی، سال دوازدهم، پائیز، شماره سوم، صص ۱۶۳-۱۳۵.
- جعفری هفتخوانی، ن. ۱۳۹۱. منظومه فرهنگی: کاربرد استعاره منظومه شمسی برای ساماندهی سازمان‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، دوفصلنامه علمی-پژوهشی دین و ارتباطات، سال نوزدهم، شماره اول.
- حاجیانی، ا. ۱۳۹۳. رهیافت‌هایی بر گفتمان اعتدال، تهران: نشر نگاه معاصر.
- حسین‌زاده، م. ۱۳۸۶. گفتمان‌های حاکم بر دولت‌های بعد از انقلاب در جمهوری اسلامی ایران، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- حقیقت، ص. ۱۳۸۵. روش‌شناسی علوم سیاسی، قم: انتشارات دانشگاه مفید.
- خواجه سروی، ع. ۱۳۸۲. رقابت سیاسی و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- دهقانی فیروزآبادی، ج. ۱۳۸۸. سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها سمت، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.

- دهمشگی، ج. و راه چمنی، ب. ۱۳۸۰. کمیسیون امنیت ملی آمریکا، استراتژی امنیت ملی آمریکا در قرن ۲۱، تهران: مؤسسه ابرار معاصر تهران.
- شاه علی، ا. ۱۳۸۴. انقلاب دوم، بررسی واقعه تسخیر لانه جاسوسی، فصلنامه اندیشه و تاریخ سیاسی ایران معاصر، سال چهارم، شماره ۳۸، آبان ماه.
- کرد زعفرانلو، ع. و حاجیانی، خ. ۱۳۸۸. استعاره‌های جهتی قرآن با رویکرد شناختی «فصلنامه علمی - پژوهشی نقد ادبی»، س ۳. ش ۹. بهار ۱۳۸۹: صص ۱۱۵-۱۳۹.
- متقی، ا. ۱۳۸۵. «جمهوری اسلامی و تحلیل گفتمان سیاست خارجی»، ماهنامه زمان، سال پنجم، شماره ۵۴-۵۳.
- مصطفوی، م. ۱۳۸۸. سیر استعاره در شعر امروز ایران ریال تهران، نشر نگینا.
- یعقوبی، س. ۱۳۷۸. سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوران سازندگی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- یگانه، ف. و افراشی، آ. ۱۳۹۳. استعاره‌های جهتی در قرآن با رویکرد شناختی، دوماهانه علمی پژوهشی جستارهای زبانی، دوره هفتم، شماره پنجم. آذر و دی، صص ۲۱۶-۱۹۳.
- ب- انگلیسی

- Hellsten, I. 2002, **The Politics of Metaphor: Biotechnology and Biodiversity in the Media**, Tampere University Press.
- Lakeoff, G. 1999 **Metaphorical Thought in Foreign Policy: Why Strategic Framing Matters?**
- Lakeoff, G. & Turner, M. 1989, **More than cool reason: a field guide to poetic metaphor**, Chicago: UCP.
- Lakoff, G., & Johnson, M. 1980. **Metaphors we live by**. Chicago: University of Chicago Press.
- Mintz, A., & DeRouen, K. 2010. **Understanding foreign policy decision making**. Cambridge: Cambridge University Press.
- Mio, S. 1997, **Metaphor and Politics**, Lawrence Erlbaum Associate Inc.
- Müller, R. 2005, **Creative Metaphor in Political Discourse: Theoretical considerations on basis of Swiss speeches**, Amsterdam.
- Sadeghi, B. & Tababaei, M. 2015, "Metaphor Analysis and Discursive Cycle of Iran's Foreign Policy: "Justice" through the lenses of US-IRAN presidents" **Cumhuriyet University Faculty of Science, Science Journal CSJ**, Vol. 36, No: 3 Special Issue.